



ابو الفتح نسیمی، ایران

**گفتاری در اهمیت شعر آیینی به عنوان رسانه ای جهانی در نمایاندن عظمت قیام عاشورا**

# ضرورت جهانی سازی «گفتمان عاشورایی»

رضا اسماعیلی شاعر

بی‌هیچ تردیدی، در عاشورا شاهد تقابل و رویارویی دو اسلام هستیم؛ اسلام نبوی و اسلام اموی.

پس از رحلت پیامبر اکرم(ص)، رفته رفته اسلام «نبوی» که در وجود قرآن ناطق علی(ع) متجلی بود، به حاشیه رفت و با شروع جریان خلافت، اسلام در تحولی معکوس و سیری قهقرایی، از «امامت» به «خلافت» و «سلطنت» تبدیل شد. قیام حسینی، عکس‌العملی به این انحراف آشکار بود. اعتراض به فاصله گرفتن از آموزه‌های اصیل نبوی و فرو افتادن اسلام در دام‌جاله برداشت‌های قدرت طلبانه، عامیانه و سطحی از دین. برداشت‌هایی ایزاری، آمیخته به خرافه و گزافه برای تحکیم و

ثبیت «اسلام اموی».

عاشورای حسینی پاسخ به یک ضرورت تاریخی برای بازگشت به اسلام اصیل نبوی و احیای آموزه‌های توحیدی بود. از همین رو، رسالت امروز ما ترجمان و بازتولید این آموزه‌ها است؛ آموزه‌های انسان‌سازی که تضمین‌کننده «حیات‌طیبه» و زمینه‌ساز بلوغ و بالندگی جامعه اسلامی است. ارزش‌هایی همچون توحید و یکتاپرستی، آزادیگی، حقی جویی، عدالتخواهی، ظلم ستیزی و مظلوم نوازی؛ ارزش‌هایی که ظرفیت و قابلیت «جهانی سازی» را دارند، ارزش‌هایی که با اشاعه و ترویج آن نمی‌توان «گفتمان عاشورایی» را جهانی سازی کرد. با توجه به ضرورت جهانی سازی گفتمان «عاشورایی»، در این نوشتار به تبیین و تحلیل این ضرورت تاریخی می‌پردازیم.

با بررسی دوره‌های مختلف تاریخی، به سهولت می‌توان دریافت که شعر و ادبیات، متأثر از تحولات سیاسی و اجتماعی زمانه خویش است. در آینه ادبیات هر عصری، می‌توان سیمای منظومه سیاسی و اجتماعی آن عصر را به تماشا نشست. با عنایت به این نکته، بی‌هیچ تردیدی باید گفت که راهپیمایی باشکوه اربعین، به‌عنوان یک واقعه تأثیرگذار اجتماعی، زمینه‌ساز خلق و آفرینش آثاری قابل تأمل در روزگار ما شده است؛ آثاری که بیانگر تأثیرپذیری غیر قابل انکار شاعران از این همایش عظیم است.

راهپیمایی اربعین – به‌عنوان یک پدیده بیرون متنی – بر متن ادبی روزگار ما تأثیر گذاشته و انگیزه سرایش اشعار فراوانی با موضوع عاشورا و قیام حسینی شده است. به عبارت دیگر،

حرکت عظیم اربعین، گفتمان ادبی شعر معاصر را تغییر داده و روحی حماسی در کالبد شعر دینی و آیینی ما دمیده است.

شعر اربعین به مثابه یک رسانه قدرتمند، در انتقال پیام‌های انسانی عاشورا به جهان معاصر نقش بسزایی داشته است. شعر اربعین، با گفتمان ظلم‌ستیزانه خود، لرزه مرگ در جان و جهان ظالمان افکنده است.

اگر شاعران عاشورایی حقیقت عاشورا و حماسه بی‌بدیل حسینی را دریابند و در مسیر رونمایی از این حقیقت روشن گام بردارند، شعر اربعین می‌تواند در بازتولید گفتمان «جهانی‌سازی عاشورا» نقش تأثیرگذاری داشته باشد. یکی از رسالت‌های بزرگ شعر عاشورایی و اربعینی، به اهتزاز در آوردن پرچم توحید و یکتاپرستی، دعوت به عبودیت و بندگی و پیراستن جان و جهان دین از خرافه‌ها و گزافه‌هاست. شاعر اصیل عاشورایی باید به این دقایق و ظرایف معنوی توجه داشته باشد و دین را از گزند اژدهای هفت سر «خرافات» و «تحریفات» در امان نگاه دارد.

■ **تقویت گفتمان «فرامذهبی»**

بی‌هیچ شکی، شعر اربعین نیز فرزند رشید «شعر عاشورا» است، با این تفاوت که رسالتی بزرگ‌تر و جهانی‌تر بر دوش دارد.

از همین رو باید گفتمانی «فرامذهبی» داشته باشد و مردم آزاده جهان را – از هر دین و مسلکی – مخاطب خویش قرار دهد. رسالت شعر اربعین «تمدن‌سازی» است.

نکته مغفول مانده و فراموش شده در حوزه شعر عاشورایی، بی‌مهری و بی‌اعتنایی به «مخاطب جهانی» است. شعر عاشورایی در روز و روزگار ما، متاعی است که صرفاً برای مصرف داخلی تولید می‌شود و خروجی مناسبی ندارد. درست مثل جزیره‌ای که امکانات محدود آن فقط نیازهای ساکنان جزیره را تأمین می‌کند و کانال‌های ارتباطی آن با جهان – حتی جهان اسلام – قطع است.

بی‌هیچ‌گونه اغراقی، دایره مخاطبان شعر عاشورا، به مسلمانان – و متأسفانه در مواردی فقط به اهل تشیع – محدود می‌شود. به این معنا که خوانش این شعر حتی برای اهل تسنن نیز جاذبه‌ای ندارد!

علت این امر محدود بودن افق دید و خلاصه کردن دایره مخاطبان «شعر عاشورا» به اهل تشیع است. در این شعر، شاعر فقط با هم‌مذهبان و هم‌مسلمان خویش به گفتمان می‌پردازد و با این فرض که همه مخاطبانش خودی‌اند، ضرورتی به توضیح واضحات – معرفی اباعبدالله(ع) و تبیین فلسفه و اهداف متعالی قیام عاشورا – نمی‌بیند. به این معنا که شاعر به مجالس عزاداری امام حسین(ع) تنها به چشم یک دوره‌می مذهبی برای کسب ثواب و گرفتن شفاعت نگاه می‌کند، از همین رو بزرگ‌ترین رسالت خود را در سرودن شعر عاشورایی، تحریک احساسات مخاطب می‌داند.

■ **نگاه تبیینی، تحلیلی به عاشورا**

از همین رو، به جای پرداختن به اصل مسأله (تبیین شخصیت امام و اهداف قیام)، با استناد به روایات و احادیث سوغ‌محور، بیشتر به‌دنبال تحریک احساسات و گرفتن اشک از جمعیت است و این امر کاملاً بدیهی است. چنان که هیچ

مداحی نیز برای شرکت‌کنندگان در مجلس ترحیم، به بیان بیوگرافی متوفی نمی‌پردازد. چون بر این واقف است که همه شرکت‌کنندگان در مجلس، در شمار خویشاوندان نسبی و سببی متوفی هستند. در شعر عاشورا نیز پاسخ به این سؤال که «امام عاشورا که بود و برای چه قیام کرد؟» برای کسانی که هم‌قبله و هم‌قبیله‌اند، چندان ضرورتی ندارد. از همین رو شاعر عاشورا، فقط و فقط در مسیر «گریستن» بر این مصیبت گام برمی‌دارد و تلاشی برای گوشودن چشم مخاطب خویش برای «نگریستن» به وجوه معنوی، حماسی و عرفانی این حماسه نمی‌کند.

در شعر اربعین اما، شاعر باید افق دید خود را گسترش دهد و بنا را بر این بگذارد که برای مخاطبی سخن می‌گوید که هیچ شناختی از امام عاشورا و قیام کربلا ندارد. استاد سیدمهدی شجاعی در کتاب ارزشمند «خون خدا» در این مسیر خجسته گام برداشته است.

شجاعی در کتاب «خون خدا» که تفسیر و ترجمه هنرمندانه «زیارت عاشورا»ست، با فرض اینکه کتاب خود را برای مخاطبانی می‌نویسد که ممکن است تاکنون حتی نام مبارک امام حسین را نشنیده باشند، به روایت پرده‌به‌پرده این مینیاتور باشکوه الهی و بازخوانی آنچه در عاشورا بر امام و یاران وفادارش گذشته است، می‌پردازد. او در فرآزی از مقدمه‌ای که بر این کتاب نگاشته است، چنین می‌گوید: «مخاطب این یادداشت شماست که از حسین و عاشورا و کربلا هیچ نمی‌دانید…»

شما که از سوگواری و عزاداری هرساله جماعتی از مردم جهان به حق تعجب می‌کنید.

شما که از زیارت دسته‌جمعی با راهپیمایی هماهنگ چند میلیون نفر در یک تاریخ (اربعین) و در یک مسیر و یک جهت، دچار سؤال، ابهام، استفهام و اعجاب و شگفتی می‌شوید؛ سؤال و اعجابی که کاملاً بجا و درست است.

آن کسی که رفته و رفتنش جهانی را به سوگ نشانده، که بوده و چه محبوبیت عمیق و گسترده و بی‌نظیری در میان مردم مختلف با فرهنگ‌ها و ملیت‌های متفاوت داشته که تعزیتی این چنین را به یادگار گذاشته؟ این سؤالی بجا و طبیعی و پرسیدنی است…»

و این کاری بدیع و ضرورتی مغفول مانده در حوزه شعر عاشوراست که برای پایان دادن به انزوای شعر و شاعران عاشورایی و جذب مخاطبان جهانی به آن نیاز داریم. اینکه بگوییم: «امام حسین که بود؟ چه کرد؟ چرا در کربلا تنها ماند؟ و چگونه به شهادت رسید؟» و این رسالت بزرگی است که «شعر اربعین» باید در مسیر تحقق آن گام بردارد.

■ **مابرای «وصل» کردن آمدم**

شعر اربعین – پیش و بیش از پرداختن به بازماندگان – باید در مسیر تمدن سازی گام بردارد و گفتمان عاشورانی را جهانی کند. از این منظر، تفکیک شعر عاشورایی از شعر اربعینی چندان ضرورت ندارد.

شعر عاشورا و اربعین هم ریشه‌اند و باید مکمل همدیگر باشند. ما باید در حوزه شعر آیینی بیشتر به «وصل» بیندیشیم، نه «فصل». سیرت و حقیقت شعر عاشورایی و اربعینی یکی است.

**زیارت اربعین؛ فرصتی مغتنم برای دستاوردی آسمانی**

## شگفتاراه عشق است این که مرد جاده می خواهد



دکتر عبدالحسین طاهلی استاد دانشگاه قم

(۱) **شگفتاراه عشق است این، که مرد جاده می خواهد حریفی پاکباز و امتحان پس داده می خواهد**

مسافر آبیاده، داغ دیده، صاحب ردی وری در دهای پیش یافتاده می خواهد

دلی آرام و پرغوغا، سری شوریده و شیدا دلی سرمست جان دادن، سری دلداده می خواهد

مسلمان و مسیحی را به حریت فراخوانده جدا از دین و ایمان، آدمی آزاده می خواهد

ندارد هیچ آدابی و ترتیبی اگر عشق است نه محرابی و نه تسبیح، نه سجاده می خواهد

هلا جامانده از این راه! آخر تو چه کم داری؟ مگر این جاده غیر از شوق فوق العاده می خواهد؟

حسین بن علی تنهاست ای یاران به پاخیزید که اینک وارث اولشکری آماده می خواهد

کاروان دل‌های سوخته و جان‌های گداخته در مسیر نور در حرکت است. آنها قدم‌زنان به سوی بهشت زمین پیش می‌روند و ما قلم‌زنان در پی آنان روانه‌ایم.

و این چند سطر بهانه‌ای است برای همراهی و همگامی با سفر کرده‌هایی که صد قافله دل همراه دارند. بادا که امام نور از ما بپزدرد.

(۲)

ششمین امام معصوم فرمود:

«وقتی فرد از خانه به قصد زیارت امام حسین علیه‌السلام خارج می‌شود، نخستین قدم را که برمی‌دارد همه گناهانش آمرزیده می‌شود و با هر قدمی قداست او بیشتر می‌گردد تا وقتی که به حرم می‌رسد، خداوند می‌فرماید: بنده من درخواست کن تا به تو بدهم، دعا کن تا اجابت نمایم.»

امامان معصوم در آداب دینی که برای دعا به ما آموخته‌اند، تأکید کرده‌اند که همیشه و در تمام حالات، بویژه زمان‌هایی که استجاب دعا بیشتر احتمال می‌رود، برای دیگران دعا کنید نه

تنهاترین غریب کجایی ظهور کن

ای بهترین حبیب کجایی ظهور کن

آقایابوداره حوالی قتلگاه

پیچیده بوی سبب کجایی ظهور کن

بر سینه حسین نشسته هنوزم

این شمر نانجیب کجایی ظهور کن

داری شبیه فاطمه‌هاگر می‌می کنی

بر گونه تریب کجایی ظهور کن

بر روی دست باد، سوار است روی نی

زلفی که شد خضیب کجایی ظهور کن

باجامه‌های پاره به بازار می رود

این عترت غریب کجایی ظهور کن

این خاک کربلاست و هر روز جاری است

این قصه عجیب کجایی ظهور کن

(۶)

■ **در حدیث آمده است:**

«هرکس به فرد غمگینی تسلیت گوید خداوند لباس تقوی بر او می‌پوشاند و بر روح او درود می‌فرستد.»

نیز پیامبر رحمت فرمود: «هرکس برادر مؤمنش را در مصیبتش تسلیت دهد خداوند در قیامت جامه‌ای سبز بر او می‌پوشاند که مردم نسبت به آن لباس غیظه می‌برند.»

اینک ما ایستاده‌ایم، در برابر مصیبتی که به تعبیر زیارت عاشورا «در آسمان و زمین بزرگ و سترگ است» و درباره آن روز جان‌سوز به حق می‌گوییم که: «آمدن روزی که ماندنش نبود».

و اربعین فرصتی است برای حضور در مجلسی به گستردگی زمین، که رویه سوی آسمان دارد. آیا سزا است که در چنین مجلسی حضور بیایم ولی به صاحب‌عزا تعزیت نگوییم؟ آن هم صاحب‌عزایی که سر رشته انواع نعمت‌های دینی و دنیایی ما را در دست دارد. انصاف این است که بی‌توجهی یا حتی کم‌توجهی به امام مهدی در چنین زمان حساسی، عین بی‌انصافی است.

(۷)

صحنه‌های دیدنی و به یادماندنی از نعلوان و محبت‌خالصانه در میان مردم در ایام اربعین، آن چنان فراوان و متنوع است که نه تنها دیدن، بلکه حتی شنیدنش اشک شوق از دیدگان جاری می‌سازد. بسیار اتفاق می‌افتد که زائری غذا میل کرده و در موکب‌های بعدی با صرا، غذا تعارف می‌کنند ولی کسی نمی‌گیرد.

چه خوب است که با دیدن این صحنه‌های بهشتی – که فقط در چند روز معدود در طول سال، آن هم فقط در یک گوشه از زمین – پیش می‌آید، یاد کنیم بی‌نیازی زمان ظهور را که امام صادق



اینک دوباره پرونده اعمال را از سر بگیر». به این ترتیب با زیارت امام حسین علیه‌السلام درون ما پاک می‌شود و سنخیت بیشتری با امام زمان علیه‌السلام پیدا می‌کنیم و آمادگی بیشتری برای خدمتگزاری به آستان مقدس حضرتش برای ما فراهم می‌شود.

کیست که نداند خوسته‌های به عظمت خدمت به آستان مقدس آن امام منتظر، جان و درونی می‌خواهد که با آن تقدس والا سنخیتی داشته باشد. و کیست که نداند شکر چنین تقدسی که خدای حکیم در پی چنان زیارتی نصیب می‌کند، درخواست نصرت امام موعود است نه دعایی کمتر از آن.

(۱۰)

امامان هدایت به ما آموخته‌اند که در بارگاه الهی خواسته‌های بزرگ از خداوند متعال بخواهیم. امیر مؤمنان علیه‌السلام فرمودند: «خداوند به اندازه نیت افراد، آنها را کمک می‌فرماید.» لذا اگر همت و نیت انسان کم باشد، کم به او اعطا خواهد فرود، ولی اگر همتش بلند باشد، زیاد کمکش می‌فرماید؛ پس برای رسیدن به این آرزوی بزرگ همت را بلند بدانیم و در هر فرصت و موقعیتی، برای خود و دیگران، این آرزوی بزرگ (لیاقت یاری حضرت مهدی برای یاری امام حسین) را بخواهیم، بدان امید که خداوند به ما این توفیق را عطا کند.

برای دستیابی به چنین خواسته‌ای بزرگ، تمهید مقدمات خیر دادند: «خداوند بی‌نیازی را در دل این امت قرار می‌دهد»؛ یعنی در زمان ظهور، از یک طرف امکانات بسیار زیاد است و از سوی دیگر قناعت و احساس بی‌نیازی، باعث راحتی آنان شده است. لذا مال به آنان عرضه می‌شود ولی بعضی به خاطر عدم نیاز و بعضی به خاطر قناعت تمایل به دریافت ندارند.

روشن است که گنجینه پایان‌ناپذیر قناعت بسیار فراتر از تمام

امکانات است، بلکه با آن اساساً قابل قیاس نیست.

(۹)

زیارت اربعین فرصتی مغتنم است که در پی عمل زمینی نه

چندان دشوار به دستاوردی آسمانی و بی‌مانند دست پیامب:

«با هر قدمی، گناهی از ما آمرزیده شده و حسنه‌ای بر ایمان ثبت شده و درجه‌ای، مقام‌مان بالا رفته است.» آنگاه که ما گفته‌اند: «استانف العمل، یعنی زشتی‌ها و گناهان گذشته‌ات آمرزیده شده،